

## چه شد که اینطوری شد؟

رسول خادم چهره‌ای است که همه ما دوستش داریم و برای ما خاطره ساز است اما دور بودن ۱۰ ساله او از کشتی و عدم آشنایی اش با کشتی گیران و کشتی جهان ، چگونه جبران خواهد شد؟



### و به یکباره در فدراسیون کشتی طوفانی انگار به پا شد ...

قصه این روزهای فدراسیون کشتی از آنجا شروع شد که محمدرضا یزدانی خرم را از جایش برداشتند و حجت الله خطیب را به عنوان سرپرست این فدراسیون برگزیدند. خود رفتن یزدانی خرم و شیوه رفتنش داستانی بود که خیلی سوال برانگیز شده بود. خود یزدانی خرم داستانش را مربوط به عالم سیاست دانسته بود و از اینکه در خصوص برداشتنش واقعیت‌ها را نمی‌گویند گله داشت. اما هرچه یزدانی خرم داد زد کسی گوش نداد چون اساسا فریادهای جناب یزدانی خرم گوش شنوایی برایش نبود.

یزدانی خرم رفت و خطیب از بستر بیماری به خیابان ورزشده (محل فدراسیون) آمد. از روزی که خطیب آمد هنوز به عدد ۳۰ روز نرسیده بودیم که تغییر و تحولات از راه رسیدند. تغییرات ابتدایی در فدراسیون بود و در کمیته‌های مختلف که شاید چندان سوال برانگیز نبود اما وقتی او تصمیم گرفت برخی از روسای هیات‌های کشتی استان‌ها را تغییر دهد ، معلوم شد که انگاری خبرهایی در راه است. در واقع سرپرست جدید فدراسیون کشتی ، بی آنکه اصلا برایش مهم باشد سعی در پاک‌سازی طرفداران محمدرضا یزدانی خرم داشت.

اما کار از این حرف‌ها بالاتر بود چون آقای خطیب آنگونه رفتار می‌کرد که انگاری حکم ریاست را در جیب دارد. او در حالیکه هنوز سرپرست است به گونه‌ای رفتار می‌کند که همچون یک رییس کابینه اش را می‌چیند. پس از تغییرات کلی و جزئی در فدراسیون و برخی از هیات‌های فدراسیون‌ها ، خطیب به یکباره محمدعلی صنعتکاران را از نایب ریسی فدراسیون کشتی برداشت و حسن رنگرز را به عنوان جانشینش برگزید : «درست است که برای پست ریاست فدراسیون کشتی کاندیدا شده بودم اما در مقطع فعلی با توجه به شناختی که از سرپرست فدراسیون دارم فکر کنم حضورم به عنوان نایب رئیس می‌تواند موثرتر باشد و پس از مذاکره‌ای که با ایشان داشتم برای خدمت به کشتی وارد گود شدم.» و این جملات یعنی اینکه با حضور خطیب من مطمئن بودم رای نمی‌آورم پس بهتر بود به عنوان نایب رییس فعالیت کنم؟ شاید بله و شاید هم نه. ولی یقینا یکی از رقیبان پر قدرت خطیب از سر راهش کنار رفته است اما از این انتصاب کسی بوی سیاست نشیند یا حداقل آنقدر که انتصاب بعدی بوی سیاست را به مشام می‌رساند ، نداشت.

خطیب در حرکت بعدی ، رسول خادم را به عنوان مدیر تیم‌های ملی ایران برگزید. یکی از دوستان خبرنگار در نخستین سوال پرسید : «آگه رسول ، بنا و محمدی رو نخواست تکلیف چیه؟» و جواب‌ها به گونه‌ای بود که رسول هرگز پیش از المپیک چنین کاری نخواهد کرد اما رسول خادم به یکباره در همان روزهای نخست کاری کرد که همه انگشت به دهان ماندند. رسول به طور همزمان هدایت تیم ملی کشتی آزاد را هم پذیرفت و غلامرضا محمدی را به عنوان دستیار خود منصوب کرد که البته محمدی نپذیرفت : «نحوه ورود ایشان یک توهین و بی‌احترامی بوده و این تصمیمی که اتخاذ شده ظلم در حق من و همکارانم است، کارنامه ما قابل قبول و مورد تایید مردم است. پس از بازیهای المپیک پکن تیمی را تحویل گرفتیم که شرایط و وضعیت مناسبی به هیچ وجه نداشت، بیش از سه سال برای این تیم زحمت کشیده ایم ...» که البته به ظاهر حق با محمدی است.

همه جای دنیا حق با یک فدراسیون است تاهر کسی را که دلش می‌خواهد به عنوان سرمرپی انتخاب

کند اما کجای دنیا چنین اتفاقاتی می‌افتد که بدون برنامه ریزی از پیش تعیین شده به یکباره اینگونه شود که می‌بینیم؟ رسول خادم چهره‌ای است که همه ما دوستش داریم و برای ما خاطره ساز است اما دور بودن ۱۰ ساله او از کشتی و عدم آشنایی اش با کشتی گیران و کشتی جهان ، چگونه جبران خواهد شد؟ « کسی که خود را مدیون این کشتی می‌داند ای کاش سالهای قبل می‌آمد و دینش را ادا می‌کرد نه الان ... امیدوارم بازیهای سیاسی و انتخاباتی پشت پرده نباشد ... بهترین قضاوت کنندگان مردم هستند ، زیرا کشتی را می‌شناسند ...» این آخرین جملات غلامرضا محمدی پس از اتفاقات اخیر است. ما هم امیدواریم که کشتی راه درست را برود و مسائل پشت پرده در این انتخاب‌ها و انتصاب‌ها تاثیرگذار نباشد و این چیزی است که زمان آن را ثابت خواهد کرد.



غلامرضا محمدی : نحوه ورود ایشان یک توهین و بی‌احترامی بوده و این تصمیمی که اتخاذ شده ظلم در حق من و همکارانم است، کارنامه ما قابل قبول و مورد تایید مردم است. پس از بازیهای المپیک پکن تیمی را تحویل گرفتیم که شرایط و وضعیت مناسبی به هیچ وجه نداشت، بیش از سه سال برای این تیم زحمت کشیده ایم ...